

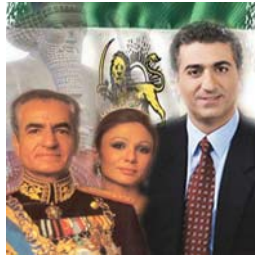


بي شك نوشتن در مورد ابعاد وسيع و همه جانبه خدمات سازنده و مديریت اصولي و کاراي شاهنشاه فقيد ايران، نیازمند انجام مطالعات بنيادين و صرف وقت زياد است و اين میسر نیست جز در پرتو وجود نیروي انساني متعهد و وطن پرست و درصدي امکانات اوليه. اما اين دليل نمی شود که دست روي دست گذاشته و به امید چنين روزي سکوت کنیم. بر ماست که از هویت ملي خویش در مقابل همه توطئه هاي جهاني دفاع کنیم. اگر از ملتي هویت ملي و پیشینه اش را بگیرند، مسلماً چیزی نخواهد داشت تا به آن ببالد و براي دفاع از آن سینه سپر کند. و اين زخم کهنه ایست که ربع قرن بر پیکرة تاریخ تمدن شکوهمند ايران نواخته شده تا جايي که به جاي افتخار بر پیشینه تاریخي خود، آن را ننگ تلقی کردیم و به اسطوره هاي عربي و غربي متوسل شدیم و یادمان رفت که دنیا از ما الگو گرفت و متمدن شد و یادمان رفت سازمان ملل و حقوق بشر با آن عظمتش هنوز مرید سنگ لوحه ترك خورده منشور عدالت کورش بزرگ است. یادمان رفت پادشاهان ايران ساز و ايران یار پهلوي به قامت خود بر خاستند و ایرانشانی را دوباره ايران کردند. هوس تجزیه طلبی به سرمان زد بدون آنکه بدانیم آنگاه تکلیف زوجي که يکي گيلکي و ديگري خوزستانیست چه میشود و کدام مرز را باید به عنوان کشور خود برگزیند. آیا میشود مرد تهراني همسر آذري خود را بیگانه بداند و اهل يك کشور ديگر. دوست گرد شما باید هموطن تهراني اش را بیگانه خطاب کند و اهل کشوري ديگر. واي واي. باید کوچه به کوچه ايران را تجزیه و پاکسازي کرد. چون در هر کوي و برزن و در و جب و جب اين خاک، اهالي شهرهاي مختلف با دين ها و گویش هاي مختلف و فرهنگ متفاوتشان در کنار هم سالها تحت لوای پرچم ايران زندگي کرده اند. شب نانشان را با هم قسمت کرده اند. روز کودکشان را به خانه همسايه سپرده اند و آسوده به سر کار خویش رفته اند. عيد ها و شب هاي يلدا در کنار هم بر سر يك سفره نشسته اند. غم و شادیشان از هم بوده و قلبشان براي هم تنیده و حالا چالشگران آمده اند تا میانشان فاصله اندازند و بگویند مرزها را باید جدا کرد و پرچم ها را تنوع بخشید. حال تکلیف اين همه وابستگی چه میشود؟ آیا باید به خاطر هوا و هوس يك عده از خود بیگانه و وطن فروش حقیر بر باد رود؟ مسلمان نه و نخواهیم گذاشت. آقایان و خانم ها، اینجا ايران است. کشوري که اقوام مختلف آن چنان در هم تنیده و پیوند خورده اند که به ياري اهوراي پاك هيچ قدرتي و هيچ دسيسه ضد ملي نخواهد توانست آنها را از هم جدا کند. که اگر شدني بود، غول هاي بزرگ سياست دنيا توانسته بودند.

جنگ هشت ساله را خميني اداره نکرد. گوشت و پوست و استخوان مردم ايران بود که به جبر زمان به پای و جب به و جب خاک ايران ایستاد. لازم شود، دوباره خواهند ایستاد و خواهند جنگید و خواهند گذاشت هيچ خائني به هوس چند روزي قدرت پوشالي و مشتي دلار بیشتر گوشه اي از اين پیکرة واحد را تجزیه کند. آي دنيا، مادران ايران زمین همه بچه هایشان را یکسان دوست دارند. در جنگ هشت

ساله شمالي ها بچه هاي جنوب را ميزبان بودند و در زلزلة منجيل جنوبي ها، بچه هاي شمال را. کردها هم صحبت سيستاني هايند و سيستاني ها، همراز آذري ها. بلوچ ها به خراساني ها همداند و عشاير با اصفهاني ها. چهار گوشة ايران به هم و به مرکز چنان پيوند خورده که تصورش هم براي شما محال است. ندیده ايد شب کريسمس چگونه مسلمان ها به محلة جلفا مي روند و شب نوروز ارامنه به محله هاي مسلمان نشين؟ فرصت کرديد سري به خانقاه هاي يزد و کرمان و اصفهان بزنيده، پر است از غير زرتشتي ها.

همه با هم به نام ايراني بودنمان به ياد مي آوريم زماني که در کوران جنگ دوم جهاني، شاهنشاه آريامهر کشور ويران و از هم پاشيده ايران را در اختيار گرفت و مردانه با سياست و درايت در مقابل غول هاي سياست روز_چرچيل، استالين و روزولت_ ايستاد و قاطعانه به وطن فروشان خودفروش چنين هشدار داد که اگر دستم را قطع کنند سند جدائي آذربايجان را امضا نخواهم کرد. و اينک ما نسلي که اين ابرمرد را ندیده ايم و ندیده شيفته اش شده ايم و مرید مرام آريايي اش، اگر بند بند وجودمان را پاره پاره کنند، نخواهيم گذاشت ذره اي از خاک ميهنمان جا بجا شود و اجازه نخواهيم داد نسل امروز ايران چون نسل انقلاب کرده، شرمسار تاريخ و وجدان و شرف و انسانيت گردد. پادشاهها، ما جوانان امروز به عوض نسل ديروز، با روح پاک و آذراهورايي شما پيمان مي بنديم تا نفي در سينه و قطره خوني در رگ هايمان باقيست و مادام که به قامت خود ايستاده ايم، دقيقه اي اهداف و آرمان هاي مقدس شما را فراموش ننماييم و براي اعتلای آن تا جاني هست، از پاي ننشينيم. پاينده ايران، در اهتزاز باد پرچم سه رنگ شير و خورشيد نشان ايران، برقرار باد نماد فرة ايزدي اعليحضرت شهريار رضا، جاويد و تندرست باد يگانه مادر تاجدار ايران، علياحضرت شهبانو فرح پهلوي هميشه جاويدان. به اميد پيروزي نور بر تاريخي و غلبة ايمان بر رژيم فاشيستي ملايان.



به نام نامي اهورامزدا، به نام يگانه يکتا و آفریدگار بيتا، به نام عشق، ميهن، آزادي، به نام اعليحضرت همایون کورش رضا شاه بزرگ، به نام بزرگ شهبانوي عزيز و بنده نواز ايران شهبانو فرح پهلوي و به نام نامي اعليحضرت همایون محمدرضا شاه فقيد، بزرگ پادشاه قلبهاي هميشه عاشق آريايي

وظيفة پادشاه صحبت کردن با اين و آن و راضي کردن گروه ها و دسته جات سياسي و براي خوش آمد دل اين و آن، درد و دل کردن و مصاحبه با راديو تلویزيون و مطبوعات نيست. در کشور ما پادشاهي، سبب اتحاد اقوام مختلف و قبيله هاي پراکنده با گویش ها و فرهنگ هاي متفاوت، در زیر سایه حمايت مردمي است، که پدر ملت نام دارد. هيچگاه مرسوم نبوده که پادشاهي، مستقيماً برنامه و راه کار خود را از پشت تريبون هاي آزاد، براي همگان اعلام نمايد، که اين ديگر برنامه نميشود. در ضمن هيچ پادشاهي 24 ساعت روز بيکار نيست که بتواند مدام سوالات دوست و دشمن را پاسخ دهد. و اصلاً از نظر امنيتي هم درست نيست پادشاه کشوري مثل ايران، آنهم در اين شرايط حساس، مرتب در انظار عمومي ظاهر شود و با مردم دیدار مستقيم داشته باشد.

خانها_ آقايان ، ببخشيد! متفکران روشنفکر خيانت پيشه! شما براي کشور خود چه کردید و چه سوغاتي براي نسل سوخته ايران به ارمغان آوردید که از رضاشاه دوم، اين ابرمرد دليري که جز جفا وستم از مردمان ندیده است، ايراد ميگيريد. کمی شرم و حيا هم خوب است. در تلویزيونهاي آنطرف آب ، آقايان متفکر که اصلاً امثال ما مردم را داخل آدم حساب نميکنند، هميشه ميگویند خدای ناکرده سلطنت طلب. انگار آنطرف آب اين وطن فروشيها زياد باب شده. اي آدمک هاي حقيرتر از حقير! شما از بردن پاکترين اصطلاح اصیل کشور خود که بيش از هفت هزار سال قدمت و حرمت دارد شرم داريد، اما خيلي راحت افتخار ميکنيد که طرفدار مصدق

وماركس ولنين و... اين تفاله هاي پسمانده تاريخ هستيد؟
اگر معني تمدن پشت کردن به تاريخ وهويت وپيشينه خود است،
من وامثال من افتخار ميکنيم که بي تمدن ترين مردمان
باشيم. براي اطلاع شما جمهوري خواهان ميگويم که اگر
نخواستيد زحمت آمدن تا ايران رانکشيد. ميترسم از آنچه
ميبينيد سر خورده شويد و بقيه سالهاي عمر پر برکت
وجوانيتان خدای ناکرده بيخود وبيجهت حرام شود (منظور من
امثال آقاي مدني اين جوان حسرت به دل است که استاد
خيانت و رنگ به رنگ شدن مي باشند و آقاي داريوش همايون که
همه هستي اش از دولت سر پادشاه فقيد ما مي باشد.)

از اينجا به بعد، سختم با طرفداران پادشاهي است، ما
براي کشور خود چه کرده ايم؟ کدام قدم مثبت را برداشته
ايم؟ روزيکه بنا بود اعليحضرت همايون محمد رضا شاه فقيد که
جانم فدای مزار خاموش ايشان باد، با هليکوپتر بر فراز
تهران پرواز فرمايند تا ببينند حرف مردم ناسپاس چيست و
چه مي گویند، ما طرفداران پادشاهي کجا بوديم که بيرون
نيامديم و شعار جاويد شاه سر نداديم، تا باريکه هاي جوي
انقلاب به سيل موج دريای ما به قول خودمان اکثريت خاموش،
محو شود. تا شايد ولي نعمت خود را دلگرم کنيم، که هنوز
كساني هستند که به ايشان وفادارند و يك مشت وطن فروش،
خود را جاي ملت 40 ميليوني قالب نکنند. ما که مي دانستيم
پادشاه عزيزمان بارها و بارها فرموده اند اگر 75 درصد
مردم، من را نخواهند، از قدرت کنار خواهم رفت. چرا با
اين همه ادعا، عكسش را ثابت نكرديم؟

چرا روزيکه ايشان براي هميشه ايران را ترك فرمودند، ما
مردم به فرودگاه نرفتيم و به ايشان وفاداري خود را ثابت
نكرديم؟ ما کجا بوديم؟ آيا نمي توانستيم هماهنگ و منسجم به
فرودگاه برويم و به پادشاه خود نشان دهيم هنوز هستيم،
زنده ايم! و به ايشان وفاداريم. آيا صدا و سيمای ميهني ما،
نمي توانست از طرفداران پادشاه درخواست نمايد آنها هم براي
جلوگيري از فروپاشي کشور خود، يك روز زحمت تظاهرات به خود
دهند يا دسته جمعي به پيشگاه پادشاه خود رفته، به ايشان
دست ياري دهند. مگر پادشاه ما در آخرين سخنراني تاريخي
خود ازما مردم به اصطلاح وطن پرست، در حفظ دستاوردهاي 55
سال حكوت درخشان پهلوي طلب ياري نفرمودند؟ چه جوابي به
ايشان داديم؟ زمانیکه رضاشاه بزرگ ايران را ترك مـ

فرمودند مردم ایران، ما چه کردیم؟ چرا به ایستگاه راه آهني که به همت ایشان براي آسایش ما ساخته شده بود، نرفتیم و پشتیبانی خودمان را از پادشاهمان به دنیا نشان ندادیم؟ در آن روز هم پدر ایران نوین و پسر جوان ایشان را تنها گذاشتیم. انگلیس اگر خود ما نمی خواستیم، چه کاره بود که براي ما تصمیم بگیرد؟ دنیا به تاریخ ما توهین کرد، خندیدیم. پادشاهان ما را با پلیدترین نام ها خطاب کردند، خوشمان آمد. امتمان خواندند، افتخار کردیم. هویت ما را دزدیدند، صلوات فرستادیم. به قول خودمان، گذشته ها گذشته، سه نسل هم فدا شد، تجربه به دست آوردیم. سرنوشت يك مملکت، فدای سیاسی بازی های گروه های سیاسی.

اما امروز چرا از ترس عده ای انگشت شمار مخالف پادشاهی، دوباره ما اکثریت خاموش! باید از خواسته های خود کوتاه آمده، تا جایکه در راهپیمایی ها تصاویر و فرامین پادشاه خود را کنار بگذاریم، آنهم در کشورهای آزاد که احدي را ياراي مخالفت با ارادة ملي ما نیست؟

من و شما که سنگ شاهنامه را به سینه میزنیم، آیا فقط یاد گرفته ایم با قصه های شاهنامه خواب شبانه مان را رنگین کنیم؟ پس چرا از آن تاریخ را نمی آموزیم؟ کدام يك از پادشاهان ما خود مستقیما وارد عمل شده اند و ایران را از چنگ شب اهریمنی آزاد کرده اند که حالا بعد از 7000 هزار سال تاریخ باستانی، این دومین بار باشد. وظیفه پادشاه ایران مبارزه نیست. بلکه رهبری و هدایت مبارزه است. وظیفه من و شماي طرفدار ایشان است _ البته اگر ما طرفدار تاریخ اصیل خود باشیم. _ که مبارزه کنیم. حریم پادشاهی مقدس تر از آن است که بخواهد وارد دنیاي آلوده سیاست و مبارزه و این حرفها بشود. ایشان دستور میدهند و من و شما اگر واقعا صادق باشیم باید بدون چون و چرا اطاعت کنیم. اعلیحضرت رضا شاه و محمد رضا شاه خدا بیامرز هم زیادی انسان و فداکار بودند. که الان دیگر وقت این حرفها گذشته.

(عجب بازی مضحکی شده. حالا دیگر هر کسی از هر جا سر درآورده میخواهد به خانواده پادشاهی ایران ایراد بگیرد. شاید در فرهنگ مدرن ما هر کس که خائن تر باشد بیشتر محبوب و مورد احترام است.)

اگر واقعا به آنچه مي گوييم، اعتقاد داريم، يك نفر، يك گروه يا يك تعداد وطن پرست جمع شويم و همان شجاعي را به خرج دهيم كه شادروان رحيمي به جا آورد و يا كاوة آهنگر انجام داد.

كاوة آهنگر آغازگر مبارزه عليه ضحاك بود، اما پادشاه نبود. بلکه سرباز و فدائي پادشاه خود بود. رستم كسيكه حماسه ساز تاريخ باستاني ماست، مگر جز يك پهلوان بود؟ کدام يك از ما مي توانيم كاوه يا رستم باشيم يا حداقل كمي جسارت آنها را داشته باشيم؟ مسلم است كه تاريخ محتاج تکرار است و هر قيامي جرقه اي مي خواهد. کدام يك از ما شجاعت زدن جرقه اول را داريم؟ ما تنها زماني مي توانيم از پادشاه جوان خود، تقاضاي بيش از اين داشته باشيم كه از ميان خودمان كاوة آهنگر يا رستم به پا خيزد و آغازگر اين مبارزه ميهني شود و اگر نمي توانيم، بهتر است ساكت بمانيم و بدون سنگ اندازي، مطيع فرامين پادشاه خود باشيم. پادشاهي كه تمام جواني و زندگي اش را براي آزادي ايران خود فدا نموده .

ما كه از انجام اولين دستور پادشاهمان كه همان اتحاد ملي و نافرمانی مدني است، ربع قرن است عاجز مانده ايم، چگونه خود را مستحق نجات از آتشي بدانيم كه خود به دست خود افروختيم و حتي شعله هاي آن را، گريبانگر ناجيان هميشگي خود نيز نموده ايم. يكبار براي هميشه اگر واقعا در گفتار خود صداقت داريم، كردار پيشكش مان، بدون بغض و كينه نسبت به ولي نعمتان واقعي خود، به ايران فكر كنيم، همه به ايران فكر كنيم. شايد خدای ايران بار ديگر از سر رحمت به اين خاك پریشان و داغدار، نظري از سر مهر افكند و به پرتو وجود پادشاه جوان و جوان بخت ما اعليحضرت همایون كورش رضا شاه بزرگ و به واسطه حمايت معنوي مادر گرانقدر ايشان، اعليحضرت شهبانو فرح پهلوي و به دم مسيحي و دعاي خير روح پاك پدر تاجدارمان، اعليحضرت همایون محمد رضا شاه آريامهر، فرة ايزدي خود را به ما بازگرداند.

پاينده ايران، در اهتزاز پرچم سه رنگ شير و خورشيد نشان ايران، جاويد و پايدار يگانه مادر تاجدار ايران، اعليحضرت شهبانو فرح پهلوي، پاينده نماد فرة ايزدي، اعليحضرت شهريار رضا

